

چه خوش بی مهربانی هردوسری

تأملی در باب مناسبات

«زبان ملی و زبان های قومی» و اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی

حمید هوشنگی /

عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)



هویت یک مسئله پیچیده و چندلایه است؛ به ویژه هویت در جامعه ایرانی که به دلایل مسائل تاریخی و حضور در گذرگاه مهم جهان از پیچیدگی بالاتری برخوردار است. بر این اساس است که محققان برای هویت ایرانی، ابعاد مختلفی در نظر گرفته اند که ترکیب آن ها هویت ایرانیان را شکل می دهد. بر اساس بررسی های صورت گرفته، ابعاد هویت ملی ایرانیان از نظر تحلیلی در قالب ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی (سرزمینی)، سیاسی، دینی، فرهنگی و زبانی و ادبی قابل شناسایی هستند. این ابعاد در واقع نقاط گره هویت ملی محسوب می شوند که موجب شکل گیری و تثبیت مشترکات بین آحاد جامعه می گردند. از سوی دیگر قانون اساسی به عنوان بالاترین سند حقوقی در کشور، یکی منابع اصلی برای فهم «گفتمان هویتی» جمهوری اسلامی ایران است. این گفتمان که برآمده از واقعیات و مقتضیات جامعه ایرانی است به ابعاد هویت ایرانیان توجه دارد. یکی از این ابعاد، بعد زبانی هویت ایرانیان است که در اصل ۱۵ قانون اساسی مورد توجه قانون گذاران بوده است. در این اصل آمده است: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آن ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است». اهمیت این اصل بدان دلیل است که زبان فارسی در طول تاریخ ایران عامل همبستگی و پیوند گروه ها و طبقات اجتماعی بوده و به عنوان زبان مشترک مورد استفاده قرار گرفته است. بر این اساس، زبان فارسی دارای کارکردهای هویتی و اجتماعی است. با این حال، این اصل به عنوان بالاترین سند زبانی کشور، با وجود صراحت کافی، در مقام اجرا و تفسیر، دچار ابهاماتی است و برخی تلاش ها به نحوی است که این اصل را به عنوان اصل زبان های قومی و محلی تفسیر نمایند تا اصل زبان فارسی، بنابراین برای حرکت به سوی سیاست گذاری زبانی، فهم دقیق چارچوب تعیین شده در بالاترین سند حقوقی کشور در حوزه